

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی مرگ از منظر شاهنامه و مهابهارات

محل انتشار:

دوازدهمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

شکوفه دارابی - استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تبریز

خلاصه مقاله:

مرگ و رازناکی آن یکی از موضوعاتی است که از دیرباز ذهن بشر را به خود معطوف ساخته و این راز مخوف، پیوسته مقوله ای برای برانگیختن هیجانان و عواطف بشر و مهمترین سرچشمه ی هراسهای او بوده است. بخش عمده ای از مشکلات انسان در رویارویی با مرگ، مربوط به ناشناختگی و مجهول بودن آن است و نادانی و ناتوانی انسان از شناسایی مرگ، سبب نگاه منفی و بدبینانه به آن می گردد. در تفکر جوامعی که هنوز به هیچ مرام یا مذهبی وابسته نیست، مرگ پایان راه زندگی است؛ زیرا انسان از درک حقیقت آن عاجز و ناتوان است. این اظهار سرگردانی از درک چیستی و ماهیت مرگ، موجب پیدایش افکاری متناقض در عرصه های مختلف فکری از جمله در ادبیات گردیده است و هرکدام از ادبا و سخن سرایان، با دیدگاهی ویژه و نگاهی ژرف، به این پدیده نگریسته اند و با تلاشی پیگیر درصدد بازسازی این معما برآمده اند. در این پژوهش می کوشیم مفهوم مرگ و جهان بینی سرایندهگان آن ها در آثار حماسی ایران و هند (شاهنامه، مهابهارات) واکاوی گردد. نتایج تحقیق نشان داد که سایه ی سنگین مرگ در هر صحنه ای از این حماسه ها نمایان است و قهرمانان را از آن گریزی نیست

کلمات کلیدی:

ادبیات تطبیقی، مرگ، شاهنامه فردوسی، مهابهارات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1692496>

